

هان تا بخرابات مجازی نایی
 تا کار قلندری نسازی نایی
 اینجا ره رندان سر اندازان است
 جانبازانند تا نبازی نایی
 ای باد که جان فدای پیغام تو باد
 گر بر گذری بکوی آن حور نثراد
 گو در سر راه مهستی را دیدم
 کز آرزوی تو جان شیرین میداد



یک صفحه از تاریخ تشکیلات داریوش اول در کشور ایران

ایران مظهر عجایب و جلوه گاه غرایب است . در کمتر مملکتی بقدر ایران یک تضاد عمومی یعنی افراط و تفریط در هر چیز دیده میشود . وقتیکه انسان ادوار تاریخی ایران را از مد نظر میگذراند می بیند که در هر یک از تظاهرات اجتماعی آن خواه در تشکیلات سیاسی و اداری خواه در طریقت دین و عقاید و خواه در قلمرو اخلاق و عادات آثاری بس غریب و متضاد از ملت ایران بظهور رسیده است که مایه حیرت و سزاوار تفکر میباشد .

مثلاً می بینیم درین سر زمین ، گاهی یک استبداد مطلق بدست یک حکمدار خونریز و گاهی یک تشکیلات ملوک الطوائفی حکمرانی کرده است . گاهی ساده ترین مذاهب و گاهی شدیدترین ادیان استقرار

یافته است. ملت ایران گاهی بایک تعصب جاهلانه و کور کورانه هزاران خونهای ناحق ریخته و گاهی در راه آزادی مذهب و فکر هزارن فدائیان از جان گذشته بقربانی داده است. زمانی بدستگیری یک قوه جزئی بی انتظام بزرگترین قشون یک دولت جنگاور را شکست داده و با فتوحات درخشان خود دامنه مملکت را از رود سند تا نیل و از خلیج فارس تا بحر سیاه وسعت داده و زمانی دیگر بدست یک مشت وحشیان بی سروپا شکستهای ننگ آور خورده ساحت مملکت ویران شده را بدست بیگانگان سپرده است.

اگر حالا هم ترتیب تعیش و درجه تفکر و تعقل و حتی طرز خوراک و پوشاک و حرف زدن و سایر شئون اجتماعیه و زندگی ملت ایران را تدقیق بکنیم همین تضاد تعجب انگیز در جلو چشم ما ظاهر خواهد شد. مثل این است که ملت ایران مرکب از چندین نژادهای مختلف باشد که در هر خصوص با هم فرق داشته باشند چنانکه نیکوترین اخلاق بابدترین عادات در افراد این هیئت جامعه جمع شده است.

ما نمیخواهیم علت فلسفی و اجتماعی این حال را شرح بدهیم فقط بیک نکته باید اشاره بکنیم و آن این است که از نقطه فلسفه اجتماعی ممکن است همین حالت روحی ملت ایران و همین تمایلات و تظاهرات متناقض یکی از اسباب بقای ایران در جلو حوادث و انقلابات تاریخی گردیده باشد.

وضع سیاسی امروزی ایران بهترین نمونه ایست برای نشان دادن این حالت روحی. مایقین داریم که این وضع امروزی پایدار نخواهد ماند. ایران امروز یک دوره فترت میگذراند و حتماً یک انقلاب و یک مهضت در پیش دارد. دست طبیعت و حوادث متراکه این چند قرن گذشته اسباب حدوث این انقلاب را فراهم آورده است و جلو گیری از ظهور آن بهیچ وجه ممکن نخواهد بود.

ما در استقبال این انقلاب و مهضت میخواهیم از تاریخ قدیم

ایران یک نمونه عبرت پیشگاه انظار بگذاریم ، می‌خواهیم چند کلمه دربارهٔ تشکیلات داریوش اول در مملکت ایران در اینجا بنویسیم :

وقتیکه داریوش غائلهٔ اسمردیس کاذب را که بنام باردیا پسر کامبیز سلطنت ایران را ضبط کرده بود تمام کرده بر تخت پادشاهی نشست ، کشور ایران در هرج و مرج تمام و دستخوش عصیان و طغیان بود . داریوش تا روز استقرار سلطنت خود هشت بار با سرکشان و ارباب عصیان و قیام‌جنگید تا بالاخره همه را بر جای خود نشانند و همهٔ ایران را مطیع و منقاد نمود . بر هیچیک از عاصیان ابقا نکرد ولی بسرداران و حکامی که در نشانند آتش فتنه و طغیان دستیاری کرده بودند پادشاهی نیکو بخشید .

پس از استحکام ارکان سلطنت در اداره کردن مملکت نیز بمشکلات زیاد مصادف گردید ولی با تدابیر عملی و قوت بازو و شجاعت و شجاعت همهٔ آن مشکلات را دفع کرده اصلاحات جدید در مملکت نمود .

در آن عهد قریب صد قوم مختلف در کشور ایران سکنی داشتند که طبایع و عادات آنان مختلف بود . داریوش با اینکه استقلال هر ایالت را تا یکدرجه محفوظ نگاهداشت ضمناً بتوحید این اقوام و جمع آوری آنها در زیر یک بیرق که بیرق پارس باشد موفق گردید .

در هر ایالت یک حاکم که ساتراپ مینامیدند نصب کرد ولی یکنفر هم از مرکز بعنوان دفتر دار یا رئیس‌الکتاب نزد هر حاکم مأمور میکرد که باستقلال تمام اعمال حکام را مراقبت نموده از اوضاع مملکت شاهنشاه را آگاه سازد .

برای ادارهٔ امور نظام در هر ایالت یک سردار معین مینمود که امور قشون محول باو بود و وی نزد شاهنشاه مسئول تمام کارهای نظام بود . بدین ترتیب در هر ایالت سه مأمور مستقل زمامدار امور کشوری و لشکری

کتابخانه
موسسه

بودند و بجهت رقابتی که داشتند نمیتوانستند با هم یکی شده اسباب عصیان و اغتشاش فراهم بیاورند .

علاوه بر این در مواقع غیر معین مفتش های مخصوص مخفیانه بهر ایالت فرستاده از حال و اوضاع مملکت و رفتار و کردار ساتراپها و سردارها اطلاع بهم میرسانید .

داریوش با ذکاوت فوق العاده که داشت احتیاجات مبرم مملکت را دریافته بود و بدان جهت بمسئله مالیه و نظام اهمیت فوق العاده میداد . از هر ایالت مقداری معین بعنوان مالیات هر ساله بایستی بمرکز برسد . مقدار مالیات عهد داریوش را مورخین به ۶۶۲ میلیون فرانک امروزی تخمین کرده اند که خیلی جالب دقت است . فقط مملکت فارس که مرکز سلطنت بود از مالیات نقدی معاف بود و بجای نقد جنس میپرداخت . داریوش اولین پادشاه ایران بود که سکه طلا بنام خود زد و آرا داریک مینامیدند و وزن آن ۱۳۰ گندم بود و از حیث عیار صحیح و صافی زر رایجترین مسکوکات در آن عهد بود .

بزرگترین خدمت داریوش در اصلاح مملکت ساختن راهها بود که برای قشون کشی و مربوط ساختن ایالات بمرکز و جلوگیری از عصیانها فوق العاده اهمیت داشت . ازین جاده ها مهم ترینش راهی بود که از شهر سارد تا شوش ساخته شد این جاده ۱۵۰۰ میل طول داشت و برای پیاده سه ماه راه بود .

برای انضباط امور لشکری در هر ایالت علاوه بر قشون محلی یکعده قشون ساخلوی از افراد خاص فارس ومدی که بتاج و تخت شاهنشاه فدائی و صادق بودند نگاه میداشت که جلو هر گونه عصیان گرفته و آسایش عمومی همیشه مستقر شود . عدد اینها ده هزار بود و آنانرا جاویدان زنده مینامیدند .

داریوش دوهزار گارد سوار و دوهزار پیاده برای شخص خود ترتیب داده بود که نیزه‌های آنها سبب‌های زرین و سیمین را سوراخ می‌توانست بکنند. در موقع لشکر کشی یک شورای جنگی ترتیب میداد و برای سرداران بخصوص نجبای مملکت و پیر مردان با تجربه را می‌پرسید و خود بشخصه جنگ را اداره میکرد. صورت صفحه بعد مجلس شورای جنگی داریوش را نشان میدهد. این صورت در روی یک ظرف بسیار قدیمی که نمونه صنعت نقاشی یونان قدیم است کشیده شده و حالا در موزه خانه شهر ناپل در ایتالیا محفوظ میباشد. (تفصیل این صورت در شماره آینده خواهد آمد)

بدین ترتیب داریوش موفق گردید که در دوره سلطنت خود دایره مملکت ایران را وسعت داده از نوزده ایالت به سی ایالت برساند و ایران در عهد او باوج ترقی و تعالی رسید.

سؤالهای علمی و ادبی

[در زیر این عنوان در هر شماره ایرانشهر پاره سؤالها اظهار خواهد آمد که از خوانندگان مجله هر کس جواب مفید و موافق بعمل علاوه بر حق القلم مقاله یک هدیه دیگر نیز از طرف اداره به ایشان تقدیم خواهد شد.]

سؤال اول: بهترین غزلیات حافظ کدام است؟
 سؤال دوم: بهترین کتابهای خارجه برای ترجمه کردن بفارسی کدام است؟

در اینجا باید یاد آور بشویم که خوانندگان مجله فقط بجواب اینکه فلان غزل بهتر است و فلان کتاب برای ترجمه لایقتر است نباید